

مصاحبه‌ی اختصاصی با امیر کریمی
(ریاست مشترک پژاک)

آرشیو
سال چهاردهم
دوره‌ی چهارم
شماره نهم
مرداد ۱۴۰۵

پشت پرده‌ی جنگ؛ نبرد بر سر نظم آینده‌ی خاورمیانه

استراتژی کردها
در عصر جنگ فرسایشی

مسئله کرد؛
از امنیتی به سیاسی

از هرمز تا کردستان؛
جنگ بر سر آینده‌ی منطقه

هدف ما تصاحب قدرت نیست؛
ساختن جامعه‌ی برای مهار قدرت است



آرشیو

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان / پژاک

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

سال چهاردهم، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی نهم

مرداد ۱۴۰۵

AUGUST 2026



مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان



آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.

telegram:

[PJAKMEDIACENTER](#)

Gmail:

PJAKMEDIACENTER@GMAIL.COM

که پشتِ خبرها قرار دارند. آنچه در منطقه رخ می‌دهد، تنها مجموعه‌ای از رویدادهای پراکنده نیست؛ بلکه زنجیره‌ای از تحولات به هم پیوسته است که می‌تواند بر آینده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم کردستان در ایران و سراسر خاورمیانه تأثیر بگذارد

در نخستین شماره این دوره، گفت‌وگویی اختصاصی و مفصل با امیر کریمی، رئیس مشترک حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)، داریم. در این گفت‌وگو تلاش شده است ابعاد مختلف بحران‌های جاری منطقه، رفتار و منافع بازیگران بین‌المللی، جایگاه مسئله کردستان در معادلات جدید و چشم‌انداز تحولات پیش‌رو مورد بررسی قرار گیرد

«آلترناتیو» در دوره جدید خود می‌کوشد فاصله میان رویداد و تحلیل را کوتاه‌تر کند؛ نه برای ارائه پاسخ‌های قطعی به پرسش‌های پیچیده، بلکه برای طرح پرسش‌های دقیق‌تر و فراهم کردن زمینه‌ای برای فهم عمیق‌تر لحظه‌ای که در آن قرار داریم

مجله «آلترناتیو» از این پس، در مقطعی حساس و پرشتاب از تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه، به صورت هفته‌نامه منتشر می‌شود. این تغییر صرفاً دگرگونی در تقویم انتشار نیست؛ تلاشی است برای نزدیک‌تر شدن به نبض رویدادهایی که هر روز بیش از پیش با زندگی، آینده و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مردم گره می‌خورند

در شرایطی که معادلات منطقه‌ای با سرعتی بی‌سابقه در حال تغییر است، فاصله گرفتن از رویدادها و تحلیل آن‌ها در بازه‌های طولانی، بیش از گذشته می‌تواند به ابهام و برداشت‌های نادرست دامن بزند. از همین رو، «آلترناتیو» تلاش خواهد کرد با پایش مستمر تحولات، گزارش‌های به‌روز و تحلیل‌های دقیق، تصویری روشن‌تر از روندهای جاری و پیامدهای احتمالی آن‌ها ارائه دهد

در این مسیر، هدف ما صرفاً بازتاب خبر نیست؛ بلکه تلاش برای فهم نیروها، منافع و روندهایی است



مصاحبه هفته‌نامه‌ی آلترناتیو

با امیر کریمی

(ریاست مشترک پژاک)

کردستان بیش از هر زمان دیگری به یک استراتژی سیاسی بلندمدت نیاز دارد

جنگ فرسایشی و بلندمدت تغییر کرده است. آمریکا متحدان کافی برای یک جنگ طولانی نداشت. تصور اولیه آنها این بود که می‌توانند با وارد کردن ضربات سنگین و تعیین‌کننده به جمهوری اسلامی، آن را تا مرز فروپاشی پیش ببرند و وادار به تسلیم در برابر خواسته‌های خود کنند. اما این اتفاق نیفتاد. مقاومتی که جمهوری اسلامی نشان داد، بیش از آن چیزی بود که آنها تصور می‌کردند پشتیبانی کشورهایی مانند چین و

آلترناتیو: به نظر شما جنگ ایران و آمریکا به کدام سمت‌وسو پیش می‌رود؟ فعالیت‌ها و اقدامات ایران و آمریکا در چه راستایی قرار دارد و با توجه به تحولاتی که در حال وقوع است، موضع و رویکرد مردم ایران نسبت به این وضعیت چگونه است؟

امیر کریمی: سمت‌وسوی این جنگ، از یک جنگ بسیار شدید و کوتاه‌مدت، به سرعت به سمت یک

روسیه نقش مهمی در این روند داشته است. همچنین کشورهای منطقه، از جمله پاکستان و ترکیه، در این مقطع از جمهوری اسلامی حمایت کردند. اروپا نیز با این جنگ هماهنگ نبود و آمریکا قصد نداشت جنگ را با هماهنگی کامل اروپا آغاز کند. تصور آمریکا این بود که ایالات متحده و اسرائیل به تنهایی می‌توانند مسئله را حل و فصل کنند؛ اما این محاسبه نیز تحقق پیدا نکرد.

یکی از دلایل مهم این مسئله، باقی‌ماندن نیروهای نیابتی و وابسته به ایران در منطقه بود. آنها تصور می‌کردند که پس از ضرباتی که حزب‌الله متحمل شده، این نیروها دیگر توان یا جرئت ورود جدی به جنگ را نخواهند داشت؛ اما حزب‌الله وارد جنگ شد. همچنین نیروهای شیعه در عراق وارد درگیری شدند و عراق را به بخشی از میدان جنگ تبدیل کردند. حوثی‌ها نیز وارد جنگ شدند و در منطقه دریای سرخ و باب‌المندب توانستند تا حدودی بر روند کشتیرانی و امنیت این منطقه تأثیر بگذارند.

جمهوری اسلامی همچنین کارت تنگه هرمز را به کار گرفت؛ مسئله‌ای

که تأثیر مستقیمی بر اقتصاد و انرژی در سطح جهانی داشت. در نتیجه، آمریکا خود را ناچار دید که برای ادامه سیاست خود، هماهنگی بیشتری با اروپا، به‌ویژه بریتانیا، ایجاد کند. بریتانیا از نظر تاریخی قدرت اصلی شکل‌دهی نظم سیاسی خاورمیانه پس از توافق سایکس-پیکو بوده و به نظر می‌رسد همچنان از تداوم این نظم حمایت می‌کند. از سوی دیگر، دولت‌های منطقه، از جمله ترکیه، پاکستان و برخی کشورهای عربی، نگران پیامدهای فروپاشی جمهوری اسلامی هستند. نگرانی اصلی آنها این است که فروپاشی ساختار سیاسی ایران، به تجزیه کشور منجر شود و این روند مانند یک اثر دومینویی به دیگر کشورهای منطقه سرایت کند. بسیاری از این کشورها خود با مسائل ملی، اتنیکی و هویتی مواجه‌اند. برای مثال، در پاکستان مسئله بلوچ‌ها، در ترکیه مسئله کوردها و در برخی کشورهای عربی مسئله جمعیت‌های شیعه و دیگر گروه‌های مذهبی وجود دارد. بنابراین، آنها نگران‌اند که تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی ایران، مطالبات مشابهی را در داخل

کشورهای خود تقویت کند
در همین چارچوب، فشارهای
اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه
بر آمریکا افزایش یافت تا زمینه برای
آغاز مذاکرات با ایران فراهم شود.
برگزاری نشست ناتو در آنکارا نیز
از این منظر اهمیت داشت. به نظر
می‌رسد میان آمریکا و کشورهای

از پیش در اقتصاد جهانی ادغام
شود، خطوط انرژی و تجارت از نو
سازمان‌دهی شوند و ساختارهای سیاسی
منطقه نیز به گونه‌ای تنظیم شوند که
بتوانند با اقتصاد جهانی هماهنگ
شوند. این ساختارها الزاماً دموکراتیک
نخواهند بود، اما نمی‌توانند به‌طور
کامل وجود تفاوت‌های اجتماعی

و هویتی را نادیده
بگیرند. در عین حال،
گروه‌های مخالف،
به‌ویژه جنبش‌های
ملی و اتنیکی، نباید از
جایگاه سیاسی ویژه و
تعیین‌کننده‌ای برخوردار
شوند

. نظامی که در خاورمیانه
در حال شکل‌گیری
است، تا حد زیادی بر

محور افزایش نقش و هژمونی اسرائیل
استوار است. در چارچوب پیمان
ابراهیم، برخی دولت‌های عربی تلاش
کرده‌اند تنش‌ها و تضادهای خود با
اسرائیل را کاهش دهند و روابط خود
را با آن عادی کنند. در نتیجه، زمینه
برای گسترش نفوذ اقتصادی، سیاسی
و امنیتی اسرائیل در منطقه فراهم

کوردها نباید نیروی جنگ باشند و از معادله صلح حذف شوند

از خطر نظامی می‌گوییم که ممکن
است در میدان به کوردها نیاز داشته
باشد، اما در تعیین آینده برای آنان
جایگاهی قائل نشود

اروپایی، به‌ویژه بریتانیا، نوعی تفاهم
درباره عدم تغییر بنیادین نقشه سیاسی
منطقه شکل گرفته است؛ به این
معنا که دولت‌های موجود همچنان
بازیگران اصلی تحولات سیاسی باقی
بمانند، اما ماهیت آنها متناسب با نظم
جدید خاورمیانه تغییر کند
در این نگاه، خاورمیانه باید بیش

می‌شود

است. پروژه‌های اتصال انرژی و تجاری میان آسیا و اروپا، در این میان اهمیت زیادی دارند. اگر مسیرهای جدید انرژی از طریق اسرائیل به اروپا متصل شوند، اسرائیل می‌تواند به یک مرکز مهم توزیع انرژی تبدیل شود. ترکیه نگران از دست دادن جایگاه ژئواستراتژیک خود است و به همین دلیل تلاش می‌کند سهمی از این نظم جدید به دست آورد. از سوی دیگر ترامپ در دیدار خود با ترامپ بر رفع

تحریم‌های ترکیه تاکید نمود و از سوی دیگر بر روی دادن هواپیماهای اف۳۵ به ترکیه به توافق رسیدند.

در همین چهارچوب بار دیگر پروژه راه توسعه‌ای یا همان کریدور انرژی و تجارت از بصره به

ترکیه مطرح شد. ۱۵٪ نفت کرکوک به عنوان سهم ترکیه مقرر شد. در مقابل ترکیه عملاً به جبهه مقابل ایران پیوست. مسئله حضور نیروهای ترکیه در عملیات مرتبط با پاک‌سازی مین‌های دریایی در تنگه هرمز نیز باید در همین چارچوب بررسی شود؛

از سوی دیگر، اسرائیل با طرحی که به تقویت دولت‌های موجود در منطقه منجر شود، موافق نیست و به همین دلیل ممکن است با برخی تفاهم‌های جدید آمریکا و ناتو اختلاف نظر داشته باشد. برای نمونه، ترکیه در جریان جنگ مواضعی نزدیک‌تر به ایران اتخاذ کرد و در مقابل، به دنبال دریافت امتیازاتی از آمریکا و دیگر بازیگران بود؛ از جمله ایفای

استراتژی کوردها نباید تابع جنگ باشد

کوردها به جای انتظار برای نتایج یک رویارویی نظامی، باید جایگاه خود را در آینده ایران و کوردستان تثبیت کنند

نقش درایران آینده، جلوگیری از نقش دهی به کردها در ایران، برداشتن تحریم‌های آمریکا، تسلیحات و بویژه هواپیماهای F۳۵ و نقش آینده خود در پروژه‌های انرژی منطقه

ترکیه همچنین خواهان سهم بیشتری از مسیرهای انرژی و تجارت منطقه

و بحران موجود احتمالاً طولانی تر و
فرسایشی تر خواهد شد
آمریکا تا زمانی که نتواند متحدان
خود را در یک چهارچوب مشترک
همه‌پیکار کند و تا زمانی که مسئله
نیروهای وابسته به ایران در منطقه را
حل نکند، نمی‌تواند به نتیجه‌ای که
انتظار دارد دست پیدا کند. به همین
دلیل، در عراق نیز تلاش‌هایی برای
ادغام نیروهای وابسته به ایران در

زیرا چنین اقدامی، حتی اگر با عنوان
عملیات مین‌روبی انجام شود، می‌تواند
عملاً نوعی مشارکت در عملیات
آمریکا علیه ایران تلقی شود
از سوی دیگر، بریتانیا نیز با
قرار دادن سپاه پاسداران در لیست
سازمانهای تروریستی نشانه‌ای از این
تفاهم را بروز داد. در مجموع، به نظر
می‌رسد نوعی توافق ضمنی میان
آمریکا، برخی کشورهای اروپایی و

کشورهای منطقه در حال
شکل‌گیری است که
هدف آن محدود کردن
امکان استفاده ایران از
کارت تنگه هرمز و کاهش
قدرت چانه‌زنی ایران در
مذاکرات است

بنابراین، به نظر من،
مرحله اخیر جنگ را
نباید با هدف سرنگونی
حکومت ایران توضیح
داد. هدف می‌تواند اعمال

ساختار ارتش و دولت مرکزی یا خلع
سلاح آنها در جریان است. البته این
پروژه به‌سادگی قابل اجرا نیست و
لزوماً به تضعیف کامل نیروهای شیعه
در عراق نخواهد انجامید

فشار، محدود کردن ظرفیت‌های
ایران و وادار کردن آن به تغییر رفتار،
به‌ویژه در ارتباط با تنگه هرمز و
موقعیت منطقه‌ای خود، باشد. مجموعه
این تحولات نشان می‌دهد که جنگ

آمریکا به دنبال فروپاشی ایران نیست؛ به دنبال تغییر معادله است

**جنگ از ضربات تعیین‌کننده به
فشار فرسایشی برای محدود کردن
ظرفیت‌های منطقه‌ای ایران تغییر مسیر
داده است**

اما در این میان، پرسش مهم برای جنبشهای سیاسی کوردستان این است که چه استراتژی‌ای باید در پیش بگیرند

هم‌پوشانی احتمالی میان نظم برآمده از سایکس-پیکو و پیمان ابراهیم، حتی اگر در بلند مدت به یک توافق پایدار منجر نشود، از نظر استراتژیک می‌تواند برای مردم کوردستان خطرناک باشد. روندی که در جریان است حاکی از وزش بادهای مخالف علیه خواسته‌های ملت کورد است

بخشی از این روند را پیش‌تر در سوریه مشاهده کرده‌ایم. در سوریه، با چراغ سبز آمریکا و در چارچوب تفاهم میان برخی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، حملاتی علیه خودمدیریتی شمال و شرق سوریه و نیروهای کورد انجام شد. این حملات با مقاومت و واکنش شدید مردم کوردستان و حامیان کوردها در سراسر جهان مواجه شد

این احتمال وجود دارد که الگوی مشابهی در ابعاد گسترده‌تر دنبال شود. برای نمونه، اظهارات برخی مقامات آمریکایی درباره مخالفت با اعطای

«موقعیت ویژه» به کردها، حتی در مورد ساختار فدرال اقلیم کوردستان عراق، از این منظر قابل توجه است همچنین در توافقات میان دولت عراق و ترکیه، جایگاه حکومت اقلیم کوردستان و نقش آن در پروژه‌های توسعه‌ای محل بحث است. اگر روند تمرکزگرایی در عراق افزایش پیدا کند، ممکن است بخشی از اختیارات اقلیم در حوزه‌هایی مانند نفت، گمرک، منابع مالی و نیروهای پیشمرگه کاهش یابد

چنین روندی، در صورت تحقق، می‌تواند به تضعیف ساختار سیاسی اقلیم کوردستان و احزاب کورد منجر شود. از سوی دیگر، در مورد آینده ایران نیز این نگرانی وجود دارد که قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نخواهند کوردها نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختار سیاسی آینده ایران داشته باشند. ممکن است در صدد باشند در شرایط جنگی، از نیروی نظامی احزاب کورد استفاده نمایند، اما در زمان تعیین ساختار سیاسی آینده، از اعطای جایگاه سیاسی مؤثر به آنها سرباز زنند

بنابراین، کوردها باید استراتژی خود

به نظر من، این همان مسئله‌ای است که امروز باید درباره آن اندیشید و برای آن برنامه‌ریزی کرد

را مشخص کنند. آنها نباید استراتژی خود را صرفاً بر انتظار از یک جنگ کوتاه‌مدت یا بهره‌برداری از یک رویداد نظامی بنا کنند. ضرورت اصلی، حرکت به سوی یک استراتژی بلندمدت، سازمان‌دهی اجتماعی و تثبیت جایگاه سیاسی کردها در تعیین

آلترناتیو: مقصود شما از «جمهوری دموکراتیک» چیست؟ تفاوت واژه‌های خودمختاری و کنفدرالیسم با جمهوری دموکراتیک چیست؟ شیوه تحلیل و عملکرد شما در قبال موضوع جمهوری دموکراتیک چگونه است؟

امیر کریمی: وقتی

از جمهوری دموکراتیک سخن می‌گوییم، منظورمان این است که خواهان مشارکت در بر ساخت ایران آینده هستیم. کوردها در ایران آینده باید نقشی اساسی داشته باشند. نباید خارج از پروژه بر ساخت ایران آینده بمانند، نظاره‌گر یا صرفاً مطالبه‌گر باشند؛ بلکه باید در شکل دادن به آینده کشور نقش ایفا کنند. ما این رویکرد را «انقلاب مثبت» می‌نامیم

واقعیت این است که نظام جهانی

کوردها نباید مطالبه‌گر باشند؛ باید تعیین‌کننده باشند

جمهوری دموکراتیک یعنی مشارکت کوردها و دیگر هویت‌ها در بر ساخت ایران آینده، نه باقی‌ماندن در حاشیه قدرت

سرنوشت کوردستان و سراسر ایران است

این به معنای آن نیست که در صورت وقوع یک جنگ فراگیر، کوردها صرفاً نظاره‌گر باشند. مسئله این است که استراتژی ما نباید تابع رویدادها باشد؛ بلکه باید بر اساس یک افق سیاسی روشن و بلندمدت برای آینده مردم کوردستان تعیین شود

نظام مدیریت و حاکمیت آینده ایران باید یک جمهوری دموکراتیک و غیرمتمرکز باشد

جمهوری بودن به این معناست که سازوکارهای اصلی آن انتخاباتی و مبتنی بر اراده مردم باشد. دموکراتیک و غیرمتمرکز بودن نیز به این معناست که مناطق مختلف ایران بتوانند به شیوه‌ای دموکراتیک، امور خود را مدیریت کنند. در چنین جمهوری‌ای، مناطق مختلف می‌توانند

بر دگرگونی سیاسی در مرکز ایران متمرکز است. حتی آمریکا نیز اعلام کرده است که هدفش از تغییر در ایران سقوط رژیم نیست، بلکه تغییر در اهداف سیاسی و شیوه‌های سیاست‌گذاری در ایران است. این به آن معناست که تلاش‌ها حول ایجاد تغییر در ماهیت و رفتار سیاسی مرکز قدرت است. بنابراین، کوردها باید در مرکز این تحولات حضور داشته باشند و در آن مشارکت کنند؛ نباید

از این مسئله فاصله بگیرند

پرسش اساسی این است که حکومت آینده ایران باید چه نوع حکومتی باشد؟ چه نوع ساختاری می‌تواند پاسخگوی نیازهای

مردم کوردستان باشد و پاسخی به سال‌ها ظلم، ستم، نادیده گرفته شدن و سرکوب بدهد؟

ما قربانی یک سیستم دولتی بسیار متمرکز هستیم؛ سیستمی که حاشیه‌ها را انکار می‌کند، کوردها را به حاشیه می‌راند و آنان را از تأثیرگذاری سیاسی خارج می‌کند. ما معتقدیم

جمهوری دموکراتیک؛ عبور از مرکز و حاشیه

کوردها هم باید در مدیریت مناطق خود نقش داشته باشند و هم در تصمیم‌گیری درباره سرنوشت کل ایران

دارای ساختارهای مدیریتی دموکراتیک متناسب با شرایط و نیازهای خود باشند؛ مشابه نمونه‌هایی که در کشورهای مختلف دموکراتیک جهان وجود دارد

در چنین ساختاری، نه کوردها مرکز‌گریز خواهند بود و نه مرکز حق خواهد داشت کوردها را به

حاشیه براند. کوردها هم در نهادهای تصمیم‌گیری‌های کلی کشور نقش خواهند داشت و هم مدیریت مناطق خود را برعهده خواهند داشت. در مناطقی که از نظر ملی و هویتی متنوع هستند نیز باید سازوکارهای متناسب و ویژه‌ای در نظر گرفته شود. این نوع دموکراسی، دموکراسی محلی است و بر اساس نیازهای محلی عمل می‌کند. چنین سیستمی می‌تواند غیرمستقار باشد؛ یعنی همه مناطق الزاماً از یک الگوی واحد مدیریتی پیروی نکنند. تفاوت این مدل با الگوهایی مانند خودمختاری یا حتی فدرالیسم در این است که در بسیاری از این مدل‌ها، مطالبه اصلی صرفاً معطوف به خواست حاکمیت یک منطقه خاص است؛ در حالی که در دیدگاه ما، مشارکت در ساختار سیاسی کل کشور نیز اهمیت اساسی دارد. ما نمی‌خواهیم که صرفاً از مرکز مطالبه داشته باشیم و خارج از ساختار سیاسی مرکز باقی بمانیم. معتقدیم کوردها باید تعیین‌کننده باشند؛ البته نه فقط کوردها، بلکه همه هویت‌ها و گروه‌های اجتماعی باید در تعیین سرنوشت خود و آینده ایران نقش داشته باشند

برای تحقق این امر، تعریف هویت ایرانی و خود مفهوم ایران نیز نیازمند بازتعریف است. ایران آینده نباید یک دولت-ملت مرکزی و تک‌هویتی باشد. بر مبنای این تعریف ملت ایران یک ملت دموکراتیک و متشکل از ملیت‌ها و هویت‌های گوناگون است. هر یک از این ملیت‌ها نیز باید بتوانند هویت، فرهنگ و تنوع درونی خود را حفظ و توسعه دهند

در این نگاه، ملت دموکراتیک ایران از مشارکت همه ملت‌ها و هویت‌ها شکل می‌گیرد و منابع و ثروت‌های ایران متعلق به همه مردم خواهد بود. همه باید در مدیریت این ساختار دموکراتیک نقش داشته باشند. چنین آینده‌ای می‌تواند از نظر حقوقی و سیاسی، حقوق و جایگاه کوردها را تضمین کند

اگر کوردها صرفاً بخواهند حاکمیت بخشی از یک جغرافیای مشخص را در اختیار داشته باشند، هر تغییر سیاسی در مرکز می‌تواند بار دیگر تهدیدهایی برای آنان ایجاد کند. اما وقتی سیستم از حالت متمرکز خارج شود و به یک نظام مشارکتی و دموکراتیک تبدیل شود، نگاه امنیتی به مسئله کورد نیز

می‌تواند تغییر کند. مسئله کورد دیگر یک مسئله امنیتی نخواهد بود، بلکه به یک مسئله سیاسی تبدیل می‌شود که از طریق مشارکت دموکراتیک قابل حل است

ما طرفدار چنین سیستمی هستیم. کوردها با تجربه سیاسی و مبارزاتی خود می‌توانند با اعتماد به نفس به‌عنوان یکی از نیروهای اساسی ایران دموکراتیک آینده ایفای نقش کنند. جنبش «ژن ژیان آزادی» نیز به‌خوبی نشان داد که چنین ظرفیتی وجود دارد و کوردها می‌توانند در شکل دادن به این نوع نظام پیشگام باشند

آلترناتیو: پژاک بخش مهمی از هویت سیاسی خود را بر یک چارچوب فکری و ایدئولوژیک مشخص بنا کرده است. امروز این چارچوب در برابر تغییرات اجتماعی و سیاسی نسل جدید کوردستان و ایران، چه پاسخی برای مسئله آزادی فردی، سبک زندگی و انتخاب‌های متفاوت نسل جوان دارد؟

امیر کریمی: ما به جامعه دموکراتیک اعتقاد داریم و معتقدیم

به جای اینکه تمام انرژی خود را صرف تصاحب قدرت سیاسی کنیم، باید انرژی خود را برای بر ساخت یک جامعه دموکراتیک به کار بگیریم. جامعه دموکراتیک جامعه‌ای است که نیروهای اجتماعی‌ای که در طول تاریخ فرصت ظهور و مشارکت پیدا نکرده‌اند، بتوانند در بازسازی جامعه نقش داشته باشند. زنان، به‌ویژه، نشان داده‌اند که نیروی اصلی دموکراسی در ایران هستند. جنبش «ژن ژیان آزادی» نقش زنان را به‌روشنی نشان داد و دستاوردهای آن را می‌توان از مهم‌ترین تحولات اجتماعی تاریخ ایران دانست. آنه از نظر ایدئولوژیک حکومت را با شکست بزرگی مواجه کردند. این جنبش نشان داد که جامعه ایران ظرفیت ایجاد تغییرات عمیق اجتماعی و سیاسی را دارد

دومین نیروی اجتماعی بزرگی که تاکنون فرصت ظهور و ایفای نقش اساسی پیدا نکرده، جوانان هستند. جوانان از قربانیان اصلی سیستم قدرت‌اند. منظور از سیستم قدرت تنها دولت نیست؛ بلکه مجموعه سازوکارهای بازتولید قدرت در جامعه، از جمله ساختارهای

پدرسالارانه و مردسالارانه و هم‌زمان
نوعی پیرسالاری است
در بسیاری از سنت‌های شرقی،
جوانان همواره خام، بی‌تجربه، فاقد
اراده و ملزم به اطاعت تلقی شده‌اند.
ساختارهای قدرت نیز اغلب بر مبنای
مطیع‌سازی جوانان عمل کرده‌اند.

استوار باشد. جوانان حامل افکار
نوین هستند و جامعه به اندیشه‌های
جدید آنها نیاز دارد. نمی‌توان صرفاً
با تکیه بر تجربه‌های گذشته زیست.
نسل جوان افق نوینی از معنای زندگی
بر روی جامعه می‌کشایند
ما با نگاه ابزاری به جوانان مخالفیم.

نمی‌توان جوانان را صرفاً
وسیله‌ای برای جنگ
یا حتی وسیله‌ای برای
انقلاب دانست. خود
جوانان باید عاملیت
کامل را در ایجاد تغییر
در جامعه داشته باشند
و حتی بتوانند رهبری
تحولات اجتماعی را بر
عهده بگیرند

جوانان ابزار انقلاب نیستند؛ باید رهبران تغییر باشند

جامعه دموکراتیک زمانی شکل
می‌گیرد که زنان و جوانان از موضوع
سیاست به عاملان اصلی تغییر تبدیل
شوند

حتی در مواردی که جوانان فرصت
بروز توانایی‌های خود را پیدا
کرده‌اند، تلاش شده است آنان از
میدان خارج شوند. داستان رستم و
سهراب نیز می‌تواند نمادی از همین
تقابل نسل‌ها باشد

جوانان باید فرصت بروز توانایی‌ها
و ظرفیت‌های خود را داشته باشند. اگر
جامعه‌ای می‌خواهد دموکراتیک باشد،
باید بر آزادی زنان و آزادی جوانان

هم رژیم حاکم و هم ساختارهای
سرکوب موجود در جامعه، جوانان را
در شرایط بسیار بحرانی قرار داده‌اند.
بسیاری از جوانان احساس می‌کنند
آینده‌ای برای آنان وجود ندارد و
این وضعیت می‌تواند به ناامیدی،
سرخوردگی و افسردگی منجر شود
از سوی دیگر، سیاست تشویق به
مهاجرت از جانب حاکمیت و شرایط
اقتصادی و اجتماعی نیز باعث شده

بسیاری از جوانان ایران را ترک کنند. آنان در جست و جوی زندگی بهتر به کشورهای مختلف مهاجرت می کنند، اما خروج گسترده جوانان از ایران خود ضربه ای جدی به ظرفیت تغییر اجتماعی در کشور است. اگر بخش بزرگی از جوانان تمام امید خود را در مهاجرت جست و جو کند، جامعه نمی تواند از تمام ظرفیت خود برای ایجاد تغییر و آینده سازی استفاده کند. به همین دلیل معتقدیم باید فرصت های واقعی برای جوانان ایجاد شود. باید به جوانان اعتماد کرد و آنان را ابزار تلقی نکرد. این جوانان هستند که

باید پیشاهنگ تغییرات اجتماعی باشند و با مشارکت و مبارزه مدنی خود جامعه را بازسازی کنند سیاست، به معنای توانایی یک جامعه برای سرنوشت و آینده خود است و بیش از همه این حق نسل جوان است که به آن پردازد و آنرا جهت دهی کند. افکار جدید از ذهن های جوان

بدون آزادی جوانان، جامعه دموکراتیک ممکن نیست

دموکراسی تنها تغییر دولت نیست؛ ساختارهای پدرسالارانه، مردسالارانه و پیرسالارانه جامعه نیز باید تغییر کنند

پیچیده تر شدن مشکلات شده است، بی اعتمادی به جوانان و نادیده گرفتن مشارکت آنان نیز تنها بحران های جامعه را افزایش می دهد. راه خروج

مدیریت سرنوشت و آینده خود است و بیش از همه این حق نسل جوان است که به آن پردازد و آنرا جهت دهی کند. افکار جدید از ذهن های جوان

از این وضعیت، اعتماد به نیروی جوان، اندیشه جوانان و فراهم کردن فرصت‌های واقعی برای مشارکت آنان است

آلترناتیو: پژاک برای همراه کردن بخش‌های مختلف جامعه با گفتمان «جامعه دموکراتیک» از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کند و چگونه نشان می‌دهد که این گفتمان صرفاً بازتاب‌دهنده دیدگاه یک اقلیت نیست و می‌تواند طیف‌های مختلف جامعه را دربرگیرد و نمایندگی کند؟

امیر کریمی: ما نمی‌خواهیم در مسیر کسب قدرت حزبی حرکت کنیم. وقتی هدف، قدرت باشد، در نهایت یک اقلیت حکومت خواهد کرد و در بهترین حالت به یک حکومت

حکومت کردن بر مردم هدف نیست؛ جامعه دموکراتیک هدف است. ما به خودمدیریتی‌های کوچک و محلی اعتقاد داریم. این خودمدیریتی‌های کوچک می‌توانند از طریق هماهنگی با یکدیگر، ساختارهای مدیریتی بزرگ‌تر را تشکیل دهند. ما به دموکراسی مستقیم و مشارکتی باور داریم؛ دموکراسی‌ای که در واحدهای کوچک اجتماعی امکان مشارکت مستقیم مردم را فراهم کند. به‌ویژه باید به کسانی فرصت داده شود که در طول تاریخ از عرصه اجتماعی کنار گذاشته شده‌اند؛ از جمله گروه‌های مذهبی، گروه‌های

نمی‌خواهیم بر جامعه حکومت کنیم؛ می‌خواهیم جامعه خود را مدیریت کند

خودمدیریتی‌های محلی و مشارکت مستقیم مردم، جایگزین تمرکز قدرت در دست یک حزب یا اقلیت است

اتنیکی و هویتی کوچک، زنان و دیگر نیروهای اجتماعی‌ای که تاکنون

الیگارش می‌خواهیم رسید. به همین دلیل، برای ما رسیدن به قدرت و

طریق دموکراسی مستقیم و مشارکتی و ایجاد واحدهای کوچک خودمدیریتی تحقق بخشید

وظیفه کادرهای ما نیز کار در بطن این خودمدیریتی هاست، نه تلاش برای تشکیل حکومت و تصاحب پست های عالی دولتی. اینها بخشی از اهداف عملی مبارزه ماست و تلاش می کنیم آن را در عمل پیاده

فرصت مشارکت در مدیریت جامعه یا ساختن آینده بر اساس دیدگاه خود را نداشته اند. جامعه دموکراتیک باید امکان بروز این نیروها را فراهم کند. در این واحدهای کوچک خودمدیریتی، علاوه بر ابعاد سیاسی و اجتماعی، باید زیرساخت های اقتصادی نیز شکل بگیرد

ما معتقدیم فعالیت نیروهای ما نباید صرفاً معطوف به رقابت های انتخاباتی یا تلاش برای به دست گرفتن قدرت باشد. نباید این تصور را ایجاد کنیم که اگر ما در رأس قدرت قرار بگیریم، جامعه بهتر خواهد شد. برعکس،

دموکراسی با جابه جایی حاکمان ساخته نمی شود

مسئله این نیست که چه کسی در رأس قدرت قرار گیرد؛ مسئله ساختن جامعه ای است که خود در تعیین سرنوشتش مشارکت کند

کنیم. ساختار درونی حزب نیز باید گرایش به سمت دموکراسی مستقیم را نشان دهد. در نهایت، ما همچنان یک حزب هستیم و حزب دارای نوعی ساختار سلسله مراتبی است. اما معتقدیم در آینده، با ایفای نقش در یک سیستم اجتماعی گسترده تر، می توان از این مرحله نیز عبور کرد و حتی از سلسله مراتب حزبی فراتر

هدف این است که تغییرات در بطن جامعه اتفاق بیفتد و جامعه ای اراده مند شکل بگیرد که به هیچ نوع قدرت طلبی و دیکتاتوری، حتی دیکتاتوری ای که از درون جامعه تحت ستم شکل بگیرد، فرصت ظهور ندهد. نباید به هیچ نوع ارباب منشی، پدرسالاری، مردسالاری یا پیرسالاری فرصت داده شود. این امر را می توان از

را به عرصه‌ای برای مبارزات دموکراتیک تبدیل کنیم. ما در برخی نقاط اشتراک داریم و در برخی مسائل سیاسی، افکار و اهداف متفاوتی داریم. این تفاوت‌ها طبیعی است و باید در یک فضای دموکراتیک بیان شوند. اگر با یکدیگر اختلاف داریم، باید بتوانیم این اختلافات را در یک فضای سیاسی و مدنی و بدون خشونت مطرح کنیم. این هم‌پیمانی می‌تواند تا حدی نقش یک پارلمان سیاسی و اجتماعی را ایفا کند؛ به این معنا که علاوه بر احزاب، جامعه مدنی، شخصیت‌ها و گروه‌های اجتماعی مختلف نیز حضور فعال داشته باشند.

اختلاف سیاسی نباید به جنگ کورد با کورد منجر شود

تفاوت میان جریان‌های کوردی طبیعی است، اما این اختلافات باید در یک چارچوب سیاسی، مدنی و دموکراتیک حل شوند

در این چارچوب، مسئله اصلی این نیست که کدام حزب حاکمیت را در دست بگیرد. ما حاکمیت را متعلق

رفت و شکل‌های دیگری از مبارزه اجتماعی و سیاسی را ایجاد کرد. در شرایط کنونی، اهداف ما بر اساس مقتضیات زمان به این شکل تعریف شده‌اند. آموزش، اخلاق و شیوه تفکر کادرهای ما نیز باید بر همین اساس باشد. کادرها باید در داخل جامعه و در بطن آن فعالیت کنند، نه در جایگاه بالاتر از جامعه و نه جدا از آن

آلترناتیو: پژاک در برابر احزاب و جریان‌های کوردی که با مدل سیاسی و استراتژی آن موافق نیستند، چه نوع همکاری یا رقابتی را برای

آینده کوردستان در نظر گرفته است؟

امیر کریمی: ما با احزاب مختلف کوردستان رابطه داریم و معتقدیم روابط میان احزاب کوردستان ایران باید به گونه‌ای

باشد که هیچ اختلافی به جنگ و خشونت کشیده نشود. در همین راستا، تلاش کرده‌ایم هم‌پیمانی کوردستانی

به مردم می‌دانیم. یکی از شروط ما برای مشارکت در چنین هم‌پیمانی‌ای این است که با وقوع تغییرات، مدیریت امور به مردم و نهادهای مدنی و اجتماعی واگذار شود و احزاب صاحب حاکمیت نباشند احزاب نباید منطقه را میان خود تقسیم کنند و اختلاف بر سر منافع و حاکمیت به جنگ منجر شود. باید یک مدیریت مدنی وجود داشته باشد و همه، حتی گروه‌های مسلح، تابع یک چارچوب مدنی و قانونی باشند ما به یک سیستم قانونی و رسمی نیاز داریم که در آن تصمیم‌نهایی را جامعه بگیرد. مردم باید تعیین کنند کدام جریان سیاسی عملکرد بهتری دارد، کدام حزب پروژه مناسب‌تری ارائه می‌دهد و کدام جریان بیشتر به اراده جامعه احترام می‌گذارد. جامعه کوردستان، جامعه‌ای سیاسی است و توانایی تشخیص منافع خود را دارد. این جامعه می‌تواند تشخیص دهد کدام جریان واقعاً برای منافع و آینده آن تلاش می‌کند و در نهایت انتخاب

ایران آینده را باید از پایین ساخت

فرهنگ‌ها، هویت‌ها و مناطق مختلف باید امکان خودمدیریتی و مشارکت واقعی در ساختار سیاسی کشور داشته باشند

سیاسی و قانونی حرکت کنند. این چارچوب باید بر مدیریت مردمی و امکان تفویض و تغییر مدیریت توسط جامعه استوار باشد

آلترناتیو: اگر بخواهیم استراتژی پژاک را بدون شعار و در یک جمله تعریف کنیم، هدف نهایی این حزب چیست و برای رسیدن به آن چه مسیری را دنبال می‌کند؟

امیر کریمی: ما خواهان ایجاد سیستم‌های خودمدیریتی اجتماعی هستیم؛ سیستمی که در آن مردم مناطق مختلف، با فرهنگ‌ها و ویژگی‌های متفاوت، امکان مدیریت امور خود را

که کوردها طی یک قرن سرکوب به دست آورده‌اند، می‌تواند به آنان امکان دهد در ساختن یک سیستم متنوع و دموکراتیک در ایران آینده نقشی اساسی ایفا کنند

آلترناتیو: ۱۰ اوت، سالروز امضای پیمان سور، یادآور یکی از مقاطع تلاش کوردها برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت است؛ تلاشی که در نهایت به نتیجه نرسید و اختلافات و ناهماهنگی‌های سیاسی نیز در آن بی‌تأثیر نبود. پژاک برای جلوگیری از تکرار تجربه‌های تاریخی گذشته و برای اینکه اختلاف و چندپارچگی بار دیگر به مانعی در مسیر مطالبات کوردها تبدیل نشود، چه رویکرد و سازوکاری را دنبال می‌کند؟

امیر کریمی: پیمان سور را نمی‌توان یک پیمان کاملاً ریشه‌دار دانست. توافق ناپایداری بود که در نتیجه بحثهایی در شرایط گذار و کائوس ناشی از جنگ جهانی اول حاصل شده بود، اما تحولات

داشته باشند. در این نگاه، جامعه باید قدرت اصلی را در اختیار داشته باشد و دولت باید به ابزاری در خدمت جامعه تبدیل شود. دولت می‌تواند مسئولیت امور کلی و مشترکی مانند سیاست خارجی و سیاست دفاعی را بر عهده داشته باشد، اما بسیاری از امور دیگر باید در اختیار جامعه و ساختارهای محلی آن قرار گیرد. جامعه باید در قانون‌گذاری، نظام قضایی، اقتصاد منطقه‌ای و اقتصاد اجتماعی نقش و قدرت تصمیم‌گیری داشته باشد. مردم باید هم انرژی و توان خود را در این عرصه‌ها به کار گیرند و هم از قدرت واقعی تصمیم‌گیری برخوردار باشند

ما خواهان ایرانی متنوع و متکثر هستیم؛ ایرانی که در آن همه تنوعات فرهنگی، هویتی، جغرافیایی و اجتماعی فرصت بروز، خودمدیریتی و مشارکت داشته باشند. در این میان، معتقدیم جامعه کوردستان می‌تواند نقش بسیار مؤثری داشته باشد. خود جامعه کوردستان نیز دارای تنوع‌های فراوانی است و همه این تنوعات باید امکان مشارکت و نقش‌آفرینی داشته باشند با این حال، تجربه سیاسی و اجتماعی‌ای

خاورمیانه حضور داشتند، اما در نتیجه کشتار، مهاجرت و سیاست‌های حذف، حضور آنان در بسیاری از مناطق به شدت کاهش یافت. کوردها نیز در جغرافیایی گسترده به نام کوردستان زندگی می‌کنند و هر پروژه ای باید بقاء، تداوم و پیشرفت کوردها

بعدی و در نهایت پیمان لوزان مسیر دیگری را رقم زد. در این میان، پیمان سایکس-پیکو در شکل‌دادن به ساختار سیاسی منطقه نقش اساسی را داشت. قدرت‌های آن زمان به دنبال ایجاد دولت-ملت‌هایی بر اساس الگوهای ناسیونالیستی بودند و

ساختار منطقه را تا حد زیادی از پیش طراحی کرده بودند. حتی در چارچوب پیمان سور، الگویی از دولت-ملت‌های کوچک در نظر گرفته شده بود. برای نمونه، ممکن بود تنها در بخش کوچکی از کوردستان امکان تشکیل یک

کوردها نباید موضوع تصمیم دیگران باشند؛ باید نیروی تعیین‌کننده باشند

**مسئله فقط مشارکت در پروژه
قدرت‌های جهانی نیست؛ کوردها باید
در تغییر دموکراتیک ساختارهای خاورمیانه
نقش آفرین باشند**

در همه این جغرافیا را مدنظر داشته باشد. پروژه ای که تحت نام دولت سازی در یک محدوده بقاء و آزادی جامعه کورد در مناطق دیگر را نادیده گرفته و با خطر روبرو گرداند مردود است. همچنین کوردها در مناطق دیگر خاورمیانه نیز زندگی می‌کنند و حضور آنان محدود به جغرافیای رسمی کوردستان نیست. برای نمونه،

دولت کوردی فراهم شود، در حالی که وضعیت کوردها در سایر مناطق کوردستان نامشخص باقی می‌ماند تجربه ارمنیان نیز نشان می‌دهد که ایجاد یک دولت کوچک در یک جغرافیای محدود لزوماً به معنای تضمین حقوق و حضور تاریخی یک ملت در تمام جغرافیای آن نیست. ارمنیان زمانی در بیشتر مناطق

کوردها نزدیک به چند قرن است که در خراسان حضور دارند و در مناطق مختلف شمال و دیگر نقاط ایران نیز زندگی می کنند. بنابراین، اگر پروژه سیاسی کوردها صرفاً بر تشکیل یک حکومت کوچک در یک جغرافیای محدود متمرکز شود، این خطر وجود دارد که سرنوشت کوردهای خارج از آن جغرافیا نادیده گرفته شود. چنین رویکردی می تواند پیامدهای فاجعه باری داشته باشد. ما مخالف این نیستیم که کوردها ستاتوسکوی رسمی خودشان را در هر شکلی داشته باشند اما این پروژه ها باید به گونه ای طراحی شوند که هیچ تأثیر منفی ای بر حقوق، مشارکت و قدرت تأثیرگذاری مردم کورد در بخشهای دیگر کوردستان و خاورمیانه نداشته باشند

نباید هیچ پروژه سیاسی ای به حذف فرهنگی و تاریخی یک ملت منجر شود. پیمان سور می تواند زمینه ایجاد یک دولت کوردی را فراهم کند، اما این پرسش همچنان باقی می ماند که کوردهای خارج از محدوده آن دولت چه سرنوشتی پیدا می کردند. بنابراین نباید در

چارچوب دوگانه سور و لوزان یا سور و سایکس-پیکو گرفتار بمانیم. پروژه سیاسی کوردها باید فراتر از سور باشد و همچنین در جهت درهم شکستن محدودیت های حرکت کند که ساختار سایکس-پیکو بر منطقه تحمیل کرده است کوردها باید به ظرفیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود ایمان داشته باشند. آنان می توانند به نیرویی مؤثر تبدیل شوند که در آینده در اجرای پروژه های دموکراتیک در خاورمیانه نقش داشته باشد. برای رسیدن به این هدف، باید اصل را بر مشارکت گذاشت؛ نه صرفاً مشارکت در پروژه های کلان قدرت های جهانی درباره خاورمیانه، بلکه مشارکت فعال در تغییر ماهیت سیستمها به سوی دموکراسی. باید به گونه ای نقش آفرینی کنیم که کوردها صرفاً موضوع تصمیم گیری دیگران نباشند، بلکه به یک عامل و نیروی تعیین کننده تبدیل شوند؛ به گونه ای که امکان حذف آنان از معادلات سیاسی و اجتماعی منطقه وجود نداشته باشد. من باور دارم که جامعه کوردستان می تواند چنین قدرت و نقشی را در عمل ایفا کند

ALTERNATIVE —
POLITICAL, IDEOLOGICAL & SOCIAL MAGAZINE

مرداد ۱۴۰۵

سال چهاردهم / دوره‌ی چهارم / شماره نهم

آلترنیو